فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز ۱۳۹٦
صفحات ٤٩ – ٦٧

بازتاب زندگی روزانه در تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف‌جاهیان

محسن معصومی[۱]
محمد عباسی[۲]

چکیده

تاریخ‌نگاری فارسی در دکن در دوره سلطنت بهمنیـان آغـاز و در دوره جانشـینان آنهـا رونق یافت و در دوره آصف‌جاهیان/ نظام‌های حیدرآباد دکن (حک. ۱۱۳۷–۱۳۶۷) رواج بیشتری یافت. افزون بر توجه به تاریخ سیاسی، یکی از ویژگی‌های مهـم تـاریخ‌نگـاری فارسی در این دوره، توجه به جنبه‌های مختلف زندگی روزانه مردم بـود. بیشـتر تـواریخ فارسی این دوره، گزارش‌های دقیقی از آداب و رسوم و زنـدگی روزانـه مسـلمانان ارائـه کرده‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که تواریخ فارسی دکن، از حیث موضوع‌هـای گوناگون مرتبط با زندگی روزانه چه اهمیت و اعتباری دارند؟ در نوشـتار حاضـر، اجـزا و عناصـر تشـکیل‌دهنـده زنـدگی روزانـه در تـواریخ فارسـی دوره سـلاطین دکـن و آصف‌جاهیان، در بخش‌های آیین‌های ماه محـرم، جشـن‌هـا و اعیـاد مـذهبی، دینـی و غیردینی، تفریحات و سرگرمی‌ها و خوراک و پوشاک مورد بررسی قرار گرفتـه و نشـان داده شد که در منابع این دوره افزون بر آیـین‌هـای مـذهبی، تفریحـات، سـرگرمی‌هـا، خوراک و پوشاک نیز انعکاس یافته است. همچنین در منابع این دوره بـه سـبب شـیعه بودن برخی سلاطین دکن آداب و مناسک شیعی نیز بازتاب یافته‌است.

کلیدواژه‌ها: آصف‌جاهیان، تاریخ‌نگاری فارسی در دکن، زندگی روزانه، سلاطین دکن.

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران(نویسنده مسئول). mmassumi@ut.ac.ir
۲ . عضو هیئت علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی. mo.abbasi@rch.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹٦/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۱۸

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

مقدمه

حملات مسلمانان به دکن (جنوب هند) در دوره سلطان علاءالدین خلجی(حک. ۶۹۵-۷۱۵) و به فرماندهی ملک کافور، از فرماندهان نظامی او، آغاز شد. وی تا جنوبی‌ترین منطقه دکن یعنی سواحل مالابار تا مَعْبَر پیش رفت و بسیاری از حاکمان محلی را خراجگزار دهلی کرد. پس از سلطان علاءالدین خلجی، محمد بن تغلق(حک. ۷۲۵-۷۵۲) به قصد ضمیمه کردن جنوب هند به قلمرو خویش و تأسیس حکومتی مسلمان در آن منطقه به جنوب هند لشکرکشید و تمام سرزمین دکن را تحت سلطه خویش درآورد. در دهه پایانی حکمرانی محمد تغلق، قلمرو وی میان حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل تقسیم شد. یکی از این حکومت‌ها، سلسله بهمنیان(حک. ۷۴۸-۹۳۴) بود. حکومت بهمنیان به دلیل بروز اختلافات شدید میان سرداران و امیران، دچار ضعف شد و در نهایت به پنج حکومت کوچک بریدشاهیان در بیدر(حک. ۸۹۲-۱۰۲۸)، عادل‌شاهیان در بیجاپور(حک. ۸۹۵ -۱۰۹۷)، نظام‌شاهیان در احمدنگر(حک. ۸۹۵ -۱۰۴۸)، عمادشاهیان در برار(حک. ۸۹۶-۹۸۲) و قطب‌شاهیان در گُلْکُنده و حیدرآباد (حک. ۹۱۸ -۱۰۹۸)تقسیم شد. بهمنیان و جانشینان آنها به نام «سلاطین دکن» نیز مشهورند. قلمرو جانشینان بهمنیان به تدریج جذب قلمرو وسیع بابریان (حک. ۹۳۲-۱۲۷۳) شد. بعد از سقوط سلسله قطب‌شاهیان در حیدرآباد، بابریان در ۱۱۳۷ یکی از سرداران سپاه خود به نام میرقمرالدین نظام الملک آصف‌جاه را، به عنوان «صوبه‌دار»[1] دکن انتخاب کردند. او با فتح دکن در همین سال سلسله آصف‌جاهیان را تأسیس کرد که ده تن از سلاطین آنان حدود ۲۳۴ سال بر حیدرآباد حکمرانی کردند. سلاطین دکن و آصف‌جاهیان، همگی از مشوّقان و مروّجان زبان فارسی بودند، از این‌رو، بسیاری از شعرا و پارسی‌گویان ایرانی و برخی از مورخان فارسی زبانِ هند شمالی برای برخورداری از حمایت‌های آنها راهی دکن شدند. کتاب‌هایی که در این دوره به زبان فارسی در حوزه‌های تاریخ، تصوف، شعر و علوم ادبی نوشته شده، گواه روشنی بر رونق زبان فارسی در دکن است (Nazir Ahmad, 2/75-115). شمار زیادی از

۱. تقریبا معادل استاندار کنونی.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

این آثار تاکنون چاپ نشده است و در کتابخانه‌ها و موزه‌های هند به ویژه کتابخانه آصفیه و موزه و کتابخانه سالار جنگ در حیدرآباد دکن نگهداری می‌شود.

تاریخ‌نویسی فارسی از دوره بهمنیان رایج شد، اما تواریخ نگاشته شده در این دوره جز تعداد اندکی، همگی مفقود شده‌است و اطلاعات ما درباره تاریخ دکن در این دوره بیشتر مبتنی بر تاریخ‌هایی است که در دوره جانشینان بهمنیان نوشته شده‌است (معصومی، ۷، ۱۰-۱۱). در این دوره، سنّت تاریخ‌نویسی فارسی در پایتخت‌های سلاطین دکن، به‌ویژه در گُلکُنده و حیدرآباد و بیجاپور ادامه یافت (Nazir Ahmad, Ibid). در دوره آصف‌جاهیان نیز به‌رغم رواج تاریخ‌نویسی اردو و انگلیسی، تاریخ‌نویسی فارسی همچنان ادامه داشت. در دوران قطب‌شاهیان و عادل‌شاهیان و آصف‌جاهیان بیشترین آثار تاریخی به زبان فارسی نوشته شده‌است و در دوران عمادشاهیان و بریدشاهیان و نظام‌شاهیان تاریخ‌نگاری فارسی کمتر مورد توجه بود و تاریخ این سلسله‌ها بیشتر در کتاب‌هایی که در بیجاپور و حیدرآباد نوشته شده، مانند کتاب *گلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته*، نوشته محمد قاسم هندوشاه استرآبادی معروف به فرشته، آمده‌است و کتاب *برهان مآثر*، نوشته سیّد علی بن عزیز الله طباطبا نیز، اگرچه درباره تاریخ سلسله نظام‌شاهیان است، اما نویسنده بیشتر به تاریخ سلاطین بهمنی پرداخته‌است.

بیشتر تواریخ فارسی دکن توجه نسبتاً زیادی به جنبه‌های مختلف تاریخ اجتماعی داشته‌اند، در حالی‌که در تواریخ فارسی دیگر مناطق هند، مثلا هند شمالی و مرکزی این رویکرد، کمتر دیده می‌شود و بیشتر به تاریخ سیاسی توجه شده‌است. مورخان دکن چون میرزا نظام‌الدین احمد بن عبدالله صاعدی شیرازی، خان‌زمان‌خان دهلوی، عبدالعلیم نصرالله‌خان خیشکی احمدی خورجوی و مَنسارام خوشابی، وصف دقیقی از زندگی روزانه مسلمانان و هندوان ارائه داده‌اند که در دیگر منابع یافت نمی‌شود. در این نوشتار سعی شده‌است تا شماری از مهمترین تواریخ معتبر فارسی از حیث بازتاب زندگی روزانه، مورد بررسی قرار گیرد. این آثار عبارت است از: *تاریخ قطب‌شاهی* یا *تاریخ سلطان‌محمد قطب‌شاه*، از نویسنده‌ای ناشناس که به دستور سلطان محمد قطب‌شاه(حک.۱۰۲۰-۱۰۳۵) در ۱۰۲۶ق، با موضوع تاریخ قطب‌شاهیان نوشته شده-

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

است. *حدیقه‌السلاطین قطب‌شاهی*، نوشته میرزا نظام‌الدین احمد بن عبدالله صاعدی شیرازی به درخواست محمد بن خاتون در ۱۰۳۵ نوشت و جزئیات حوادث مربوط به دوران عبدالله قطب‌شاه (حک. ۱۰۳۵ -۱۰۸۳)، را به شیوه سال‌شمار تا پایان ۱۰۳۵ با نثری ساده وصف کرده‌است (صاعدی شیرازی، ۳). *رساله دربارآصفیه یا قانون دربارآصفیه*، نوشته مَنسارام خوشابی، در زمان میرنظام علی‌خان آصف‌جاه دوم (حک. ۱۱۷۵- ۱۲۱۸) و در ۱۱۷۵ با موضوع تاریخ آصف‌جاهیان تنظیم شده‌است. *تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین‌السلاطین*، نوشته میرزا ابراهیم زُبَیری، در حدود ۱۲۲۶ در تاریخ عادل‌شاهیان است. *گلزار آصفیه*، نوشته خواجه غلام‌حسین ملقّب به خان‌زمان خان دهلوی(۱۱۹۹- ۱۲۶۰) مربوط به سال‌های ۱۲۵۷تا ۱۲۶۰ و درباره تاریخ قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان است. *تاریخ دکن*، نوشته عبدالعلیم نصرالله‌خان خیشکی احمدی خورجوی در ۱۲۸۵ با موضوع تاریخ آصف‌جاهیان به نگارش درآمده‌است.

پیشینه تحقیق

در دوران معاصر، محققان بسیاری به مطالعه برخی آیین‌ها و آداب‌ورسوم مسلمانان دکن پرداخته‌اند. از میان آن‌ها، سه اثر صادق نقوی،[1] استاد گروه تاریخ دانشگاه عثمانیه حیدرآباد دکن و از محققان برجسته مسلمان هندی، به زبان انگلیسی حائز اهمیت است؛ کتاب *نهادهای دینی مسلمانان و نقش آنها در دوره قطب‌شاهیان*،[2] رسالهٔ دکتری او در دانشگاه عثمانیه حیدرآباد بوده‌است. در این کتاب به نهادهای دینی مسلمانان چون مساجد، درگاه صوفیان و عاشورخانه‌ها توجه شده است. او در فصلی جداگانه به برخی از عاشورخانه‌های دوران قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان پرداخته‌است و تاریخ تأسیس و نام مؤسس عاشورخانه‌ها، علم‌های عاشورخانه‌ها و برخی آداب و رسوم رایج در آن‌ها را شرح داده‌است. وی در این بخش اطلاعات بسیار مهمی راجع به شرکت هندوان در آیین‌های ماه محرم دارد. در فصل پایانی این کتاب به برخی آیین‌ها و آداب‌ورسوم دینی و غیردینی مسلمانان توجه شده‌است. وی به جشن نوروز، جشن «مِراگ»، عید قربان، عید غدیر، عید فطر، «مولد النبی ﷺ» و شب برات نیز پرداخته‌است. او بیشتر اطلاعات

1 . Sadiq Naqvi
2 . Muslim Religious Institutions and Their Role Under The Qutb Shahs

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

خود در خصوص این آیین‌ها و آداب‌ورسوم را از دیوان شعر محمدقلی قطب‌شاه و عبدالله قطب‌شاه که هر دو به زبان دَکَنی (اردو قدیم) است، برداشت کرده‌است و از برخی منابع فارسی دوران قطب‌شاهیان که به این آیین‌ها توجه کرده‌اند، مانند *حدیقه‌السلاطین قطب‌شاهی* یا *تاریخ سلطان‌محمد قطب‌شاه* و دیگر تواریخ مهم در این دوره که حاوی برخی مطالب مهم درباره این آیین‌ها هستند، غافل مانده‌است. وی درباره نام برخی خوراک‌ها و وجه‌تسمیه برخی عاشورخانه‌های دکن نیز دچار اشتباه شده‌است. *اثر دیگر او، سهم آفاقی‌های ایرانی در دوران سلطنت قطب‌شاهیان و عادل‌شاهیان*[1] نام دارد. او در این کتاب به برخی عاشورخانه‌ها و علم‌های حیدرآباد در دوره قطب‌شاهیان اشاره کرده‌است. این اثر جز مواردی اندک، فرق چندانی با اثر اول او در زمینه آیین‌های ماه محرم و عاشورخانه‌ها و علم‌ها ندارد، بلکه نویسنده بیشتر سعی کرده‌است در این اثر جدید، مطالب را خلاصه‌تر کند و نقش آفاقی‌ها در تأسیس برخی عاشورخانه‌ها و برپایی علم‌ها را نشان دهد و پیچیدگی‌هایی را که در فهم برخی از مطالب کتاب اولش بوده‌است، حل کند. از ویژگی‌های مهم این کتاب، پرداختن به برگزاری آیین‌های ماه محرم در بیجاپور در دوره عادل‌شاهیان است؛ زیرا منابع دوره عادل‌شاهیان چندان به این آیین‌ها توجه نکرده‌اند. مقاله *آیین‌های ماه محرم میان غیر مسلمانان در دوران قطب‌شاهیان*[2] که در مجموعه مقالاتی با عنوان «*آیین‌های ماه محرم میان غیر مسلمانان آندهراپرادش*»[3] چاپ شده از دیگر آثار مهم اوست. نقوی در این مقاله، تأثیر برخی از آیین‌های رایج میان هندوان در مراسم ماه محرم و شرکت آنان در این مراسم را توضیح داده‌است. از ویژگی‌های بسیار مهم این مقاله، استفاده نویسنده از منابع «تِلِگو» است.

تفاوت اصلی این پژوهش، با تحقیقات جدید فوق، در این است که مقاله حاضر، می‌کوشد با رویکردی توصیفی- تحلیلی بازتاب عناصر تشکیل دهنده زندگی روزانه مسلمانان را در تواریخ فارسی دکن، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این نوشتار، به بخشی از زندگی روزانه مسلمانان در تواریخ فارسی دکن نظیر

1 . The Iranian Afaquies Contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi Kingdoms
2 . The Muharram ceremonies among the Non- Muslims during the Qutb Shahi period
3 . The Muharram ceremonies among the non- muslims of Andhra Pradesh

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

آیین‌های محرّم، جشن‌ها و اعیاد مذهبی، دینی و غیردینی، تفریحات و سرگرمی‌ها و خوراک و پوشاک پرداخته می‌شود.

الف). آیین‌های محرّم

یکی از موضوع‌های زندگی روزانه که در تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف‌جاهیان بسیار به آن پرداخته شده، مراسم عزاداری ماه محرم است. پیشینه برگزاری این آیین‌ها، به دوره سلطنت بهمنیان باز می‌گردد. در این دوره، تحت تأثیر سیّد محمد خواجه بنده‌نواز گیسودراز حسینی، خواندن اشعاری درباره شهادت امام حسین علیه‌السلام در میان مردم در خانقاه‌های چِشتیه در گُلْبَرگِه رایج شد و بعد از انتقال پایتخت بهمنیان از گلبرگه به بیدَر، خانقاه‌های نعمت‌اللهی سبک عزاداری ایرانیان را در ایام ماه محرم در دکن پیروی کردند و برخی از سلاطین و وزیران بهمنی که ارادت ویژه‌ای به خاندان پیامبر علیهم‌السلام داشتند در این آیین‌ها شرکت کردند (Sherwani,1/222; Rizvi, 2/334). یکی از این افراد خواجه عمادالدین محمود گاوان، از وزاری مشهور ایرانی در دربار بهمنیان بود که در دهه اول ماه محرم بسیاری از علمای ایرانی و عراقی را برای شرح و روایت واقعه کربلا به این مجالس فرا می‌خواند (Howarth,10). بعد از تأسیس حکومت عادل‌شاهیان در بیجاپور، یوسف عادل‌شاه (حک. ۸۹۵-۹۱۶)، بنیان‌گذار این سلسله، برای نخستین بار، تشیع را در دکن مذهب رسمی اعلام کرد و اذان و خطبه شیعی در دکن رایج شد. گرایش‌های شیعی عادل‌شاهیان، آنان را به برگزاری آیین‌های عزاداری در ماه محرم در بیجاپور سوق داد، اما مورخان این دوره، جزئیات برگزاری آن را ثبت نکرده‌اند و آگاهی‌های ما درباره آن بسیار اندک است و اغلب اطلاعات ما محدود به منابع دوره قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان است.

نخستین آگاهی‌های ما درباره آداب و رسوم مسلمانان دکن در ماه محرم، مدیون کتاب تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه است. اطلاعات این کتاب درباره مراسم ماه محرم، اگرچه اندک است، اما گزارش‌هایش درباره پوشیدن «سَراپائی»، لباس سیاه رنگِ مخصوص عزاداری در ایام محرم، «زَرعاشوری»، مبالغ نقدی که هر ساله پس از پایان ماه محرم به فقرا، سادات و علما داده می‌شد و همچنین درباره نحوه ساخت و چراغانی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

«پادشاهی عاشورخانه[1]»، بسیار با اهمیّت است به نحوی کـه ایـن اطلاعـات، از سـوی برخی مورخانِ پس از او چون صاعدی شـیرازی مـورد اسـتفاده قـرار گرفـت. *حدیقـه السلاطین قطبشاهی* نیز، از درجه اهمیّت بالایی از نظر توجه به زندگی روزانه بـه ویـژه مراسم عزاداری ماه محرم برخوردار است. این کتـاب مهـم‌تـرین مرجـع بـرای مطالعـه اوضاع اجتماعی مسلمانان دکـن اسـت و بـه جرئـت مـی‌تـوان آن را «شـاهکار تـاریخ اجتماعی در دکن» نامید؛ چرا که علاوه بر پرداختن به دیگر موضوع‌های زندگی روزانه، مراسم عزاداری را با ذکر جزئیات دقیق شرح داده‌است و حتی فصلی مجـزا بـا عنـوان «ذکر ماتم و تعزیه داشتن شهادت حضرت سیدالشهدا علیه التحیه و الثنا» دارد. صاعدی شیرازی عمده اطلاعاتش درباره پادشاهی عاشورخانه را از کتاب *تـاریخ سـلطان محمـد قطب‌شاه* گرفته‌است اما گزارش‌های جالبی درباره مراسم عزاداری صـبح هفـتم محـرّم، شب نهم محرّم و صبح روز عاشورا در این عاشورخانه دارد که در هیچ یک از تـواریخ نیامده‌است. از دیگر امتیازات این کتاب، گزارش او درباره حضـور هنـدوان در مراسـم عزاداری و انگیزه و اهداف آنان از شرکت در این آیین است. وی درباره یکی از دلایـل حضور هندوان در مراسم عزاداری ماه محرم گوید:

«جمعی از طبقات مسلمان و کافر که ابواب بخت نصیب بر روی تعیش و زنـدگانی ایشان مسدود مانده قفل‌ها بر لبان و دهان خود می‌زنند و در برابر ایوان آلاوَه[2] به نهایت خضوع و غایت خشوع مسألت فتوحات می‌نمایند. در شب دهم محرم آن قفل‌ها از لبان و دهان ایشان به‌خودی‌خود گشـوده و ایـن صـورت عجیـب از کرامـت روح مقـدس حضرت سیدالشهدا علیه التحیه و الثنا مشهور و منظور آشـنا و بیگانـه ملـت و مـذهب می‌گردد و در آن سال ابواب کامرانی بـر وجنـات زنـدگانی ایشـان مفتـوح مـی‌شـود»

۱. از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عاشورخانه‌های قطب‌شاهیان در حیدرآباد است که سـاخت آن در دوره محمـدقلی قطب‌شاه (حک. ۹۸۸–۱۰۲۰) و در ۱۰۰۱ شروع شد و در ۱۰۰۵ با صرف هزینه زیاد پایان یافت.

۲. در حیدرآباد، آیین‌های ماه محرم در مکان‌هایی به نام «عاشورخانه» یا « الاوه» برگزار می‌شد. الاوه به معنی آتش یا آتش‌بازی و در اصل به گودال‌های مدوری گفته می‌شد که درون عاشورخانه‌ها ساخته می‌شد و گـاهی دور آن را با آجر حصار می‌کشیدند. در ایام ماه محرم درون این الاوه‌ها آتش روشن می‌کردنـد و عـزاداران بـا در دست داشتن چوب یا شمشیر دور آن حصار می‌چرخیدند و فریاد «یاعلی یاعلی» «شاه‌حسین شاه‌حسین» سر می‌دادند (برای آگـاهی بیشـتر دربـاره الاوه نـک: Jaffur shurreef , 173- 174; Naqvi, The Iranian Afaquies Contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi Kingdoms, 141).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

(صاعدی شیرازی، ۵۸).

برخی از آیین‌های عزاداری رایج میان مسلمانان وامدار آداب محلی هندوان بود. برگزاری مراسم لَنْگر، یکی از این آیین‌ها به‌شمارمی‌آید که تأثیر آداب محلی بر آن آشکار و ملموس است (Naqvi, Muharram Ceremonies among the Non-Muslims during the Qutb Shahi period, 8). تاریخ برگزاری مراسم لنگر به دوران عبدالله قطب‌شاه بازمی‌گردد. در منابع آمده‌است فیلی که عبدالله قطب‌شاه بر آن سوار بود، وی را به مدت چند روز در جنگل می‌چرخاند و از حرکت باز نمی‌ایستاد. پس از اینکه حیات‌بخشی بیگم، مادر سلطان‌عبدالله قطب‌شاه، از این حادثه با خبر شد، نذر کرد که در صورت رهایی پسرش، لنگری (زنجیر یا افسار) طلا هم‌وزن لنگر فیل به «عاشورخانه حسینی عَلَم»[1]، ببرد و آن را میان فقرا تقسیم کند. پس از رهایی سلطان، وی لنگری طلا به همراه شربت به آن عاشورخانه برد و میان فقرا تقسیم کرد. بعد از آن دوران، سلاطین، درباریان و عموم مردم هرساله از پنجم تا نهم محرم، آیینی به نام مراسم لنگر را در عاشورخانه حسینی‌عَلَم برگزار کردند. آن‌ها لنگرهایی از طلا یا نقره و یا تنها شاخه‌های گل را بر کمر کودکان می‌بستند و به این عاشورخانه می‌آمدند (خانزمان خان، 41-43; Law, 5)؛ به‌نظر می‌رسد این مراسم تنها در این عاشورخانه برگزار می‌شد و در دیگر عاشورخانه‌ها و یا جاهای دیگر حیدرآباد مرسوم نبوده‌است (خانزمان خان، ۴۳؛7 ,Law). صاعدی شیرازی تأثیر آداب محلی هندوان بر این آیین را چنین وصف می‌کند:

«رسوخ عقیده این جماعتِ بیگانه ملتِ آشنا سیرت به‌مرتبه‌ایست که ازواج و نسوان و دختران و پسران، اغنیا و فقیران ایشان در ایام عاشورا غسل کرده کسوت پاکیزه پوشیده سبوهای شربت قند و شکر برسر خود گذاشته برابر ایوان الاوه می‌آیند و شربت بخادمان آنجا قسمت می‌نمایند» (صاعدی شیرازی، همانجا). وی همچنین گزارش مهمّی درباره منهیات ماه محرم و پرهیز مسلمانان و هندوان از برگزاری جشن و شادی

۱. این عاشورخانه در دوره محمدقلی قطب‌شاه ساخته شده‌است و مهم‌ترین و مقدس‌ترین عَلَم حیدرآباد در این عاشورخانه نگهداری می‌شد و شیعیان بر این باور بودند که شمشیر منسوب به امام جعفر صادق علیه‌السلام بر این عَلَم نصب شده‌است (بلگرامی، ۶۳- ٦٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

و خوردن برخی خوراکها دارد. گزارش او نشان می‌دهد که منهیات ماه محرم بیشتر از سوی حاکمیّت و با فرمان حکومتی به اصناف مختلف اجتماعی ابلاغ می‌شد و آنان موظف به اجرای آن بودند. وی می‌نویسد:

«و امر جهان مطاع بجمیع ممالک محروسه صادر فرمایند که در نقاره خانهای فلک رفعت دست از نوازش کوس و نقاره و طبل و دمامه باز دارند و اربابِ ساز و نغمه، آلات صنعت خود در غلاف کرده از ارتکاب عمل خود مجتنب باشند و بجمیع خوان‌سالاران و چاشنی گران حکم معلی شرف نفاذ یابد که در مطبخ خاص و عام مطبخیان و باورچیان ادخال لحوم در اغذیه و اطعمه خاصه و خرجی ننمایند و در بازار و محلات حکم فرمایند که دکاکین تاری و سندی و بنگ و مغیرات حرام و حلال در ایام عاشورا ببندند و قصابها قنارها از بازار بردارند و تنبولیان تنبول نفروشند و کسی مباشر خوردن گوشت و تنبول نشود و حجامان در حمامات سر نتراشند و کیسه نمالند. بالجمله جمیع تکلفات و لذات محرمه و مباحه متروک و ممنوع می‌باشد و احکام مذکوره بر جمیع مسلم و کافر و طبقات انام در این ایام غم انجام، در ممالک محروسه جاری می‌دارند» (همان، همانجا).

یکی دیگر ازآثار پراهمیّت درباره مراسم عزاداری ماه محرم، کتاب *گلزار آصفیه*، نوشته خانزمان‌خان دهلوی است. اطلاعات او در زمینه آیین‌های ماه محرم در دوره آصف‌جاهیان بسیار دقیق و منحصر به فرد است و نویسنده برای این آیین‌ها، عنوان «ذکر عشره محرم‌الحرام در بلده حیدرآباد فرخنده بنیاد» گذاشته است. خانزمان‌خان گزارش‌های کمیابی از تاریخ تأسیس و نام مؤسس عاشورخانه‌ها و همچنین آیین‌های رایج در آنجا و باورهای عامه مردم درباره برخی از عاشورخانه‌های حیدرآباد دکن به ویژه عاشورخانه کوه مولاعلی علیه‌السلام[1] و عاشورخانه حسینی عَلَم دارد. وی همچنین نخستین کسی است که روایت تاریخ برگزاری مراسم لنگر در دوره عبدالله قطب‌شاه را

۱. کوه مولاعلی علیه‌السلام در اطراف شهر حیدرآباد و در نزدیکی روستایی به نام مَلکاجگیری قرار دارد و برای مسلمانان کوهی مقدس به شمار می‌آمد. براساس اعتقاد عامه مردم، اثرِ پنجه حضرت علی علیه‌السلام بر روی سنگی بر بالای آن کوه حک شده است. در دوره ابراهیم قطب‌شاه، به احترام آن اثرِ پنجه، عاشورخانه‌ای در آنجا ساخته شد و در دوره آصف‌جاهیان نیز عاشورخانه‌های دیگری به آن اضافه شد(خانزمان خان، ۵۴۹– ۵۵۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

در کتابش آورده و به تفصیل آن را توضیح داده است. کتاب خانزمان‌خان اطلاعات بسیار مهمی در زمینه «آیین فقیرشدن» نیز دارد. در این آیین، افراد لباس‌های گوناگون برتن می‌کردند و در نقش‌های متفاوتی ظاهر می‌شدند. گاه نیز خود را به حیوانات، شبیه می‌کردند (Jaffur shurreef, 189; Naqvi , Muharram Ceremonies among the Non-Muslims during the Qutb Shahi period, 8).

به‌نوشته خانزمان‌خان: « قریب دوصد جوق[1] جوانان و طفلان گهگری[2] و الهها فقیر می‌شوند یعنی به لباس و رنگ مختلف بست بست[3] کس از هر محله برمیآیند که در دست همه‌ها گهگری‌ها می‌باشد مانند زنگوله‌های خرد مدوّر که از آن آواز برمیآید و یک سبوچه‌های برنجی را زنگوله‌های خرد خرد بسته موافق لهجه سرود خود برمی‌گردانند و ابیات چند در مدح احوال شهدا می‌خوانند و فیمابین اینها نیز تقید لباس و رنگ است که دیگری به آن رنگ بر نه‌آید (خانزمان خان، ٥٦٤)».

آیین «تعزیه‌برداری/ تعزیه داری» میان مسلمانان هند به ویژه دکن بسیار رونق داشت و هر ساله در ایام ماه محرم برگزار می‌شد. در شبه‌قاره هند، لفظ تعزیه با وجود ارتباط با مصائب شهدای کربلا، به معنای «شبیه خوانی» به کار نمی‌رود بلکه آنان تعزیه را به مراسمی نمادین اطلاق می‌کنند که در آن دسته‌های عزاداری در طول مراسم، شبیه ضریح یا تابوت امام حسین علیه‌السلام را بر دوش می‌کشند (صاعدی شیرازی، ٥٢-٥٣؛ Hollister, 166 ؛ Rizvi, 2/349). در دکن تابوت‌ها را به‌طور نمادین و به یاد امام حسین علیه‌السلام و خاندانش می‌ساختند و در بعد از ظهر روز عاشورا بیرون می‌آوردند. ضریح امام حسین علیه‌السلام و خاندانش، نوعی از تعزیه و نمادی از آرامگاه ایشان بود (صاعدی شیرازی، ٥٢، خانزمان خان، ١٩٢، Rizvi, 2,349). این ضریح‌ها معمولاً از نقره، بامبو و کاغذ و در اندازه‌های گوناگون ساخته می‌شد و در ساخت ضریح امام حسین علیه‌السلام، حفظ شکل اصلی آن آرامگاه در کربلا مورد توجه قرار می‌گرفت. ضریح برخلاف تابوت‌ها که بعد از پایان تعزیه‌برداری دفن یا بر آب فرو برده می‌شد به‌طور ثابت در

۱. دسته یا گروه.

۲. این واژه ریشه هندی دارد و در زبان اردو به معنی دامن پرچین کوتاه است.

۳. ظاهرا منظور عدد بیست است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

عاشورخانه‌ها نگهداری و در ایام ماه محرم بیرون آورده می‌شد (خانزمان خان، ۱۹۲–۱۹۳، Meer Hasan Ali, 1/31.32). اطلاعات خانزمان‌خان درباره شکل ظاهری و آداب و رسوم مربوط به ضریح الاوه یتیمان که نمادی از آرامگاه دو طفل مسلم علیهما السلام بود، بسیار در خور توجه است.

ب). جشن‌ها و اعیاد دینی

جشن نیمه شعبان یا سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به «شبِ بَرات» مشهور بود. در این شب از انواع چراغ‌ها و روشنایی‌ها برای نورانی نگه‌داشتن شهر استفاده می‌شد و مردم در مجالس شادی، آتش‌بازی برپا می‌کردند، از این رو، این جشن به «جشن روشنایی‌ها» نیز مشهور است (Naqvi, Muslim Religious Institution and Their Role under the Qutb Shahs 243,273). در تواریخ فارسی سلاطین دکن، تنها کتاب *حدیقه السلاطین قطبشاهی* است که وصفی کامل و دقیق از آداب و رسوم مسلمانان در این شب، دارد. گزارش‌های این کتاب درباره آداب و رسوم مسلمانان در این جشن بسیار مهم است. او برخی از آداب، اعمال و اورادی را که مسلمانان به امید ثواب و تقرّب جستن به ذات مقدس خدای تعالی و تخفیف و آمرزش گناهان خود، انجام می‌دادند، برشمرده است، مانند خواندن نماز و ادعیه ویژه این شب، غسل کردن، ذکر صلوات، استغفار و دادن صدقه و خیرات. وی این مراسم را به جشن «دیپاوالی»/ «دیوالی» یا «جشن چراغ‌ها»ی هندوان تشبیه کرده است. هندوان، دیپاوالی یا جشن چراغ‌ها را به‌خاطر گرامی‌داشت و حرمت نهادن به کالی یا بَهاوانی، از الهه‌های هندو برگزار می‌کردند. این جشن پنج روز ادامه می‌یافت و هندوان در این روزها خانه‌های خود را تمیز می‌کردند و آذین می‌بستند، لباس‌های نو می‌پوشیدند، زنان خود را می‌آراستند، دختران با آب گرم حمام می‌گرفتند. انواع خوردنی‌ها و شیرینی‌ها را می‌پختند و میان میهمانان و خویشاوندان خود پخش می‌کردند. آتش‌بازی هم ازجمله شادی‌های آنان در این جشن بود. به گزارش صاعدی شیرازی، مسلمانان نیز در شب بَرات مانند هندوان خانه‌های خود را پاکیزه می‌کردند و برای روشنایی و آذین‌بندی آن چراغ‌های رنگی بسیاری به‌کارمی‌بردند و در شب به آتش‌بازی می‌پرداختند. به‌نظر می‌رسد، آیین‌هایی که هندوان در جشن

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

دیپاوالی برگزار می‌کردند، بر آداب و رسوم مسلمانان در کیفیت برگزاری جشن شب بَرات تأثیرگذار بود (Naqvi, Muslim Religious Institution and Their Role under the Qutb Shahs,243-244 Murdoch, 66-67).

یکی از مهم‌ترین تواریخ از حیث توجه به آداب و رسوم مسلمانان، کتاب *تاریخ دکن*، نوشته خیشکی احمدی خورجوی است. گزارش او درباره مقدار فطریه هرمسلمان و آداب پس از پرداخت فطریه، درخور توجه است. به‌نوشته او «فطره به حساب نصف صباع گندم که دو سیر باشد او را ...[1] کردیم. نرخ گندم امروز به یک روپیه چلنی[2] هشت سیر و بالاست» (خیشکی احمدی خورجوی،۳٦، ۳۳۳-۳٤۰). بعد از پرداخت فطریه و خواندن نماز عید، خطبه خوانده می‌شد و امیر یا سلطان مبلغی به خطیب می‌دادند. مسلمانان بعد از پایان این مراسم، برای تبریک عید و دید و بازدید به خانه یکدیگر می‌رفتند و برخی از آنان، به یُمن این عید هدیه‌هایی را به یکدیگر می‌دادند. همچنین خیشکی روایت جالبی درباره تعداد روزهای تعطیل برای مسلمانان و هندوان در عید فطر دارد. به‌دلیل اهمیّت و جایگاهی که این عید نزد مسلمانان داشت، تمامی مسلمانان به مدت سه روز تعطیل بودند، اما هندوانی که وظایف اداری و درباری برعهده داشتند باید در محل کار خود حاضر می‌شدند (همان، همانجاها).

یکی دیگر از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جشن‌های مسلمانان دکن، جشن تولد پیامبر ﷺ یا جشن «مولد النّبی» بود که به‌دلیل هزینه‌های فراوان، با حمایت مالی سلاطین برگزار می‌شد. اطلاعات ما درباره چگونگی برگزاری این جشن، محدود به منابع دوره قطب‌شاهیان و آصف‌جاهیان به ویژه کتاب‌های *تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه* و *حدیقه‌السلاطین قطبشاهی* است. *تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه* گزارش‌های جالبی درباره رقص و آواز و استفاده از آلات موسیقی، چون تار و سوزاندن بخورات و همچنین استفاده از مشک و عنبرِ آمیخته به گلاب برای خوشبو کردن فضای جشن دارد و نخستین اطلاعات ما درباره جشن مولدالنّبی نیز برگرفته از این اثر است. *حدیقه السلاطین قطبشاهی* نیز از درجه اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که وی بیشتر

۱. افتادگی دارد.

۲. ظاهراً چانْدی درست باشد که در زبان اردو به معنی نقره است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

آیین‌های مسلمانان دکن را در کتابش آورده و گاه با تفصیل شرح کرده‌است. گزارش او، درباره توقف برگزاری این جشن در دوره سلطان‌محمد قطب‌شاه[1] (حک. ۱۰۲۰–۱۰۳۵) و از سرگیری آن در دوره عبدالله قطب‌شاه جالب توجه است (صاعدی شیرازی، ۵۹–۶۰).

مسلمانان در ذی‌الحجه، «عیدالأضحی» (عید قربان) یا «بقرِ عید» (جشن گاو) را جشن می‌گرفتند. کتاب *تاریخ دکن* از مهمترین تواریخ فارسی است که به وصف این جشن پرداخته است. گزارش‌های آن درباره ذبح حیوانات و تقسیم گوشت آنها میان مستمندان و خویشاوندان پراهمیت است. به روایت او، سلاطین و درباریان نیز هر سال در این روز، گوسفندهایی را برای قربانی کردن، به ملازمان، منشیان و مردم می‌دادند و به مناسبت عید قربان، مسلمانان (به غیر از هندوان) به مدت سه روز تعطیل بودند (خیشکی احمدی خورجوی، ۱۸٤، ۳۳۹–۳٤۰).

پ). جشن‌های غیردینی

«سالْگِرَه» جشنی است که در سالگرد تولد کودکان (فرزندان سلاطین و نیز مردم عادی) یا خود سلاطین برگزار می‌شد. این جشن نه تنها در میان مسلمانان، بلکه در بین هندوان نیز رواج داشت و مرسوم بود که در سالگرد تولد فرزندان خود، مجلس شادمانی برپا می‌کردند (یوسف حسین، ۱۰). تواریخ فارسی به ویژه کتاب *حدیقه السلاطین قطبشاهی* (٤۰– ٤٤)، مفصل به آداب و رسوم مسلمانان در این جشن پرداخته و وصف دقیقی از ویژگی‌های ظاهری رقاصان و انواع زیورآلات و جواهرات و همچنین استفاده آنان از پان (برگ تَنْبول) برای سرخی لب‌ها و مالیدن حنا بر دستان دارد.

جشن «بسم الله خوانی»، جشن آغاز تحصیل و علم‌آموزی فرزندان پسر و دختر در

۱. محمد قطب‌شاه بین علما آموزش و تربیت یافته بود و تحمل تشریفات و اعمال تجمل‌آمیز این جشن را نداشت. به همین دلیل هزینه برگزاری جشن را هر سال بین علما تقسیم می‌کرد. با این‌حال پس از به سلطنت رسیدن عبدالله قطب‌شاه، همچون گذشته شادی و فزونی ضیافت‌ها به برگزاری این جشن بازگشت (برای آگاهی بیشتر نک. صاعدی شیرازی، ۵۹–۶۰؛ Naqvi, Muslim Religious Institution and Their Role under the Qutb Shahs, : 221).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

چهار یا پنج سالگی بود (عبدالجبارخان، ۱/ ۹۷–۹۸). کتاب *تاریخ بیجاپور* از مهمترین آثار فارسی است که اطلاعات جالبی درباره این آیین به دست داده و بر خلاف دیگر تواریخ فارسی که بیشتر به خوشگذرانی سلاطین در این روز پرداخته‌اند، به شیوه تعیین معلم برای آموزش خواندن و نوشتن به کودک و همچنین آموزش ورزش‌های پهلوانی، اسب دوانی، تیر اندازی و شمشیر بازی پرداخته‌است (زبیری، ۳۶۳).

از آیین‌های ویژه سلاطین دکن، مراسم و جشن تراشیدن محاسن سلطان، برای اولین بار بود. این مراسم بیشتر برای سلاطین کم سن و سالی که به‌تازگی و برای نخستین بار دارای محاسن شده بودند، برگزار می‌شد. شاید کتاب *حدیقه‌السلاطین قطبشاهی* تنها اثری باشد که به تفصیل به این مراسم پرداخته و صفحاتی را به آن اختصاص داده‌است. گزارش‌های او درباره برپایی این جشن، چند روز پیش از تراشیدن محاسن سلطان، نحوه برگزاری مراسم و چگونگی تراشیدن محاسن سلطان با اهمیت و نادر است (صاعدی شیرازی، ۱۲۳– ۱۲۸).

جشن عروسی مسلمانان که به جشن «کتخدایی»/ کدخدایی نیز مشهور بود (*دفتر دیوانی و مال و ملکی سرکار عالی*، ۲۲۵؛ حیدرآبادی، ۱۹۹)، آداب و آیین‌های متعددی داشت. برخی از این آداب پیش از مراسم «نکاح خوانی» و برخی دیگر بعد از آن برگزار می‌شد. آثار اندکی چون *گلزارآصفیه* به گزارش این آداب و رسوم پرداخته‌اند. این کتاب اطلاعات زیادی درباره آداب و رسوم جشن عروسی به ویژه مراسم «ساچَق»/ «سانْچَق» دارد. این مراسم، اگرچه در زبان ترکی به معنی حنابندان است، اما مسلمانان دکن برای حنابندان مراسم جداگانه‌ای به نام «مِهَندی» داشتند. در دکن مراسم سانچق قبل از آیین نکاح خوانی و به صورتی بود که بستگان داماد به هنگام غروب، نقل و بادام، جواهرات و تزیینات عروس، لباس عروس و نظایر اینها را به سمت خانه عروس می‌بردند. خانزمان‌خان درباره این رسم می‌نویسد:

«چون رسم سانچق دختر خرد سلطان عبدالله به‌وقوع آمد ابوالحسن نیز به‌جناب ممدوح عرض حال خویش نمود که یا مولا امروز رسم سانچق به‌ظهور آمد آن حضرت فرمودند که خدام خانقه آبخوره‌های گلی را به‌طور سبوچه‌های سانچق با نقل و بادام و غیره پرکرده به کاغذ سرخ و زرد و سبز آراسته در صحن خانقاه بگردانند و بگویند که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

ایـن سـانچق ابوالحسـن اسـت کـه بـه خانـه عـروس دختـر سـلطان عبـدالله مـی‌رود (خانزمان خان، ٤٦)».

ت). تفریحات و سرگرمی‌ها

مسابقات کشتی به مناسـبت‌هـای مختلـف برگـزار مـی‌شـد و یکـی از تفریحـات و سرگرمی‌های ویژه سلاطین، امرا و درباریان بود. گزارش کتاب *تاریخ بیجاپور* مسمی بـه *بساتین السلاطین* نوشته زبیری، درباره این مسابقات در دربار بهمنیـان بسـیار جالـب و قابل توجه است. وی علاوه بر وصف اقبال مردم به ایـن تفـریح، گـزارش‌هـای مهمـی درباره آداب و رسومی که کشتی‌گیران پیش از نبرد انجام می‌دادند مانند سلام شـاهی و مصافحه و کسب اجـازه از اسـتاد دارد (زبیـری، ۱۲). کتـاب *گلزارآصفیه* نیـز یکـی از مهم‌ترین آثاری است که به خوبی این نوع مسابقات را وصف کرده اسـت. وی، عـلاوه بر وصف محل برگزاری مسابقه و نحوه زورآزمایی کشتی‌گیران با هم، به برخـی فنـون خاص کشتی‌گیران و همچنین هدایایی چون پول نقـد و پوشـاک، کـه بـه برنـدگـان و بازندگان، داده می‌شد، پرداخته‌است.

شکار از دیگر تفریحات و سرگرمی‌های رایج میـان سـلاطین بـود (خانزمـان خـان، ۵۰۱-۵۰۲). اطلاعات کتاب *گلزارآصفیه* درباره شکار نیز در خور توجه اسـت. گـزارش نویسنده درباره همراهی برخی از درباریان در مراسم شکار، به نام «پـادامی» کـه گـاهی تعداد آنها بسیار زیاد بود، بسیار اهمیت دارد. این افراد، جانوران شکاری چون باز، یوز و شاهین را با خود به شکارگاه مـی‌برنـد و هریـک از آنـان مسـئول نگهـداری یکـی جانوران شکاری بودند و هنگامی که سـلطان جـانوری شـکار مـی‌کـرد، آنجـا حضـور می‌یافتند و از سلطان انعام دریافت می‌کردند (خانزمان خان، ۵۰۷).

ث). خوراک و پوشاک

از بین تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف‌جاهیان، کتاب‌های *حدیقه السلاطین قطبشاهی*، *گلزارآصفیه* و *رساله دربار آصفیه* اهمیّت بیشـتری دربـاره خـوراک و پوشـاک آیینی و غیرآیینی دارد. گزارش‌های صاعدی شیرازی، درباره خوراک‌هـای آیینـی چـون نان ریزه یا نان تکه‌تکه‌شده، کوفته، آش و پان (برگ تنبول) و همچنـین شـیوه پخـت و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

چگونگی مصرف آنها در بین طبقات مختلف اجتماعی بسیار مهم است (صاعدی شیرازی، ٤٤، ٥٣، ١٠٠، ٢٠١). کتاب *گلزار آصفیه* نیز، اهمیّت زیادی درباره خوراک‌های آیینی مسلمانان و همچنین شیوه تهیه و پخت غذاها دارد. گزارشهای این کتاب بیشتر درباره برخی خوراک‌های آیینی مسلمانان چون شربت، حلیم ، قورمه، شیربرنج و شیرخرما با اهمیت است (خانزمان خان،٥١٤،٣١٢،٢٩٢-٥٧٥-٥٨٨). یکی از آثاری که به طور جامع گزارش‌های مهمی درباره پوشاک آیینی و غیرآیینی مسلمانان دارد، کتاب *رساله دربار آصفیه* یا *قانون دربار آصفیه*، نوشته منسارام خوشابی است. گزارش‌های او درباره این نوع پوشاک‌ها و قواعد لباس پوشیدن درباریان و وجود افرادی در دربار برای تعلیم کسانی که مقررات و آداب لباس پوشیدن را رعایت نمی‌کردند، اعتبار زیادی دارد (خوشابی،٦-٧). یکی دیگر از نکات مهم کتاب وی، توجه به جنس، قیمت و مشخص کردن نوع پوشش مسلمانان، هندوان، طبقات فرودست و فرادست است. به گزارش وی «دستار» جزو پوشاک ثروتمندان، سلاطین و درباریان یا طبقه متوسط بود، «ازار چوریدار»، شلوارهایی با پاچه چین‌دار، جزو پوشاک‌های مشترک بین هندوان و مسلمانان بود. «دَگْلَه» از پوشاک‌های بالاتنه مردان مسلمان و نوعی کت آسترپنبه‌ای بود که بیشتر امرا و درباریان در دربار یا هنگامی که به سفر می‌رفتند، در سرما و گرما از آن استفاده می‌کردند (خوشابی، ١٣-١٤، ١٧٠).

نتیجه

برگزاری آیین‌ها و آداب و رسوم دینی و غیردینی رونق زیادی میان مسلمانان دکن داشت به گونه‌ای که سلاطین و امرا، هزینه‌های هنگفتی صرف برگزاری آن می‌کردند و جزئیات برگزاری آن نیز توسط مورّخان که خود از علما و صاحب منصبان دربار بودند، ثبت شده‌است. بنابراین، مهم‌ترین ویژگی تاریخ‌نگاری فارسی در دکن، در مقایسه با دیگر تواریخ فارسی هند، توجه بیش از حد مورخان به انعکاس جزئیات و جنبه‌های مختلف زندگی روزانه مسلمانان است. زندگی روزانه در گزارش‌های مورخان دکن بیشتر شامل آیین‌ها و آداب و رسوم ماه محرّم چون برپایی تعزیه، مراسم لنگر، ذکر کارکردهای عاشورخانه‌ها و الاوه‌های مختلف به عنوان نهادی دینی در جامعه شیعیان،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

برخی از جشن‌ها و اعیاد دینی و مذهبی مانند عید فطر، عید غدیر، میلاد حضرت علی(ع)، شب بَرات، خوراک و پوشاک و همچنین تفریحات و سرگرمی‌های رایج در منطقه دکن است. به‌نظر می‌رسد وجود گرایش‌های شیعی در میان برخی از مورخان دکن چون میرزا ابراهیم زبیری مولف *تاریخ بیجاپور*، نویسنده ناشناس کتاب *تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه* و صاعدی شیرازی مولف *حدیقه السلاطین قطبشاهی* نیز باعث شده که توجه زیادی به برگزاری آیین‌های شیعی مانند عید غدیر، میلاد حضرت علی(ع)، شب بَرات و آداب و رسوم ماه محرّم، داشته باشند. در دوره آصف‌جاهیان نیز هر چند که همه سلاطین به جز میرعثمان علیخان آصف‌جاه هفتم اهل تسنّن بودند، اما برگزاری آیین‌های مختلف شیعی از سوی آنها مورد حمایت قرار می‌گرفت و رونق بسیاری در حیدرآباد داشت. برخی از مورخان آن دوره چون خانزمان‌خان که دارای گرایشهای شیعی بود، در کتاب خود فصول جداگانه‌ای را به محرم اختصاص داده است.

در گزارش‌های تواریخ فارسی دکن علاوه بر ترسیم جنبه‌های گوناگون زندگی روزانه مسلمانان، تا حدودی نیز به زندگی روزانه هندوهای دکن پرداخته شده‌است. در بسیاری از تواریخ فارسی دکن مانند کتاب *گلزار آصفیه* به آداب و رسوم و جشن‌های مختلف هندوها مانند جشن دیوالی پرداخته شده و حتی برخی از تواریخ فارسی تأثیر آداب و رسوم بومی و هندویی را بر آداب و رسوم مسلمانان به ویژه در برخی مراسم ماه محرم همچون مراسم لنگر و برخی اعیاد مانند عید غدیر و میلاد حضرت علی(ع) و شب بَرات نشان داده‌اند. همچنین در برخی از تواریخ فارسی، به تغذیه و پوشش زنان و مردان مسلمان و هندو توجه زیادی شده تا جایی که گاهی در برخی موارد به وجوه اشتراک و تفاوت بین خوراک و پوشاک مسلمانان با هندوان تصریح شده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

منابع

ـ بلگرامی، سیّد علی اصغر، *مآثر دکن: متضمن برحالاتِ عمارت و آثار بلـده حیـدرآباد و مضافات بلده*، کراچی،حافظ محمد حیدر میموریل اکیدمی، ۱۹۷۸.

ـ *تاریخ سلطان‌محمد قطب‌شاه*، نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ملـک، بـه شـماره میکروفیلم ۳۸۸۵.

ـ حیدرآبادی، تجلی‌علی شاه، *تاریخ نظام‌شاهی= وقایع دکـن*، نسـخه خطـی موجـود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۳۷٤۲.

ـ خانزمانخان، خواجه غلام حسین خان، *تـاریخ آصـفجاهیان (گلزارآصـفیه)*، بـه اهتمـام محمد مهدی توسّلی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۷ش.

ـ خوشابی، مَنسارام، رساله دربارآصفیه یا قانون دربار آصفیه، بـه اهتمـام سـیّد حسـین اصفهانی طباطبایی، حیدرآباد دکن، ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م.

ـ خیشکی احمدی خورجوی، عبـدالعلیم نصـرالله خـان، تـاریخ دکـن، چـاپ سـنگی، حیدرآباد دکن، بی تا.

ـ *دفتردیوانی و مال و ملکی سرکار عالی*، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۷.

ـ زبیری، میرزا ابراهیم، *تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین السلاطین*، حیدرآباد دکن، ۱۳۱۰.

ـ صاعدی شیرازی، میرزا نظام الدین احمد، *حدیقه السلاطین قطبشـاهی*، بـه تصـحیح و تحشیه سیّد علی اصغربلگرامی، حیدرآباد دکن، ۱۹٦۱م.

ـ عبدالجبارخان، محمد، *محبوب الزمن تذکره شعرای دکن*، {حیدرآباد دکن}، ۱۳۲۹.

ـ معصومی، محسن، *فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی دکن در دوره بهمنیان دکـن*، تهـران، انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۹.

ـ یوسف حسین، *منتخب وقـائع دکـن: سـنه ۱۰۷۱ق تـا سـنه ۱۰۸۱ق*، حیـدرآباد دکـن، ۱۳۳۲ق/۱۹۵۳م.

_ Hollister, John Norman., *The Shia of India*, Second edition, London, 1979.

_ Howarth, Toby M., *the Twelver Shia as a Muslim Minority in India*, Rutledge, Landon and New York, 2005.

_ Jaffur Shurreef., *Qanoon-e-Islam, or, the Customs of the Moosulmans of India: compromising a full and exact account of their various rites and*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]

ceremonies from the moment of birth till the hour of death, London 1832.

- Law, John, *Modern Hyderabad* (Deccan), Calcutta, 1914.
- Meer Hasan Ali., *Observation of the Mussulmauns of India: Descriptive of their Manners*, Customs, Habits, and Religious opinions: made during twelve years residence in their immediate society, London.
- Murdoch, John, Hindu and Muhammadan Festival: Complied from Wilson, Wilkins, Crooke, Sell, Hughes and other Writers, Asian Educational Services, New Delhi & Madras, 1991.
- Naqvi, Sadiq., *Historical Perception: " Muharram Ceremonies among the Non-Muslims during the Qutb Shahi period*", in The Muharram Ceremonies among the non-Muslim of Andhra Pradesh, Bab-ul-Ilm, Hyderabad, 2004.
- Naqvi, Sadiq., *Muslim Religious Institution and Their Role under the Qutb Shahs*, Bbab-ul-Ilm society, Hyderabad, 1993.
- Naqvi, Sadiq. *The Iranian Afaquies Contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi Kingdoms*, New Delhi, 2003.
- ,Nazir Ahmad "Language and Literature-Persian", in History of Medieval Deccan(1295-1724), editor H.K. Sherwani and Joshi, Andhra Pradesh, 1974.
- Rizvi, Sayid Athar Abbas., A *Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shiis in India*, Marifat Publishing House, Australia, 1986.
- Sherwani, H. K., " The Qutb Shahis of Golkonda-Hyderabad", in History of Medieval Deccan(1295-1724), editor H.K. Sherwani and Joshi, Andhra Pradesh, 1974.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.3.7]